

## مصاحبه با خانم فرخ لقا سیدی یکی از معلمان گرانقدر و بازنشسته‌دانش آموزان ناشنوا



خانم فرخ لقا سیدی یکی از معلمان بازنشسته سازمان آموزش و پرورش استثنایی یکی از پیش‌کسوتان نمونه در آموزش و پرورش دانش آموزان ناشنواست....

این معلم شریف در سال ۱۳۱۳ متولد و در سال ۱۳۳۴ با اندوخته‌ای از تجربه‌های ارزنده به استخدام آموزش و پرورش استثنایی در می‌آمد و در سال ۱۳۶۰ به مقام بازنشستگی نایل می‌شد و هم‌اکنون دوران بازنشستگی خود را سپری می‌کند....

ما با قدردانی از تلاش‌های ارزنده این آموزگار گرانقدر و بازنشسته و برای شنیدن سخنان و تجربه‌های ایشان که حاصل سال‌ها تلاش متمادی است، مصاحبه‌ای را ترتیب داده‌ایم که آموزگاران دانش‌آموزان ناشنوا بتوانند از آن بهره‌مند شوند....

مختلف در زمینه تدوین، برنامه‌ریزی و آرایه طرح‌های توان‌بخشی و بزوهشی، گسترش فضای آموزشی و تألیف کتاب‌های جدید متناسب با نیازهای دانش‌آموزان ناشنوا می‌باشد.

همچنین در زمینه تشخیص ویژگی‌های روان‌شناختی ناشنوایان و اصلاح رفتار آنها از مشاورین زبده استفاده می‌شود و در حال حاضر نیز در زمینه استفاده از خدمات توان‌بخشی در زمینه‌های تخصصی از جمله استفاده از سمک‌های شنوایی، پیشرفت‌های قابل توجهی را ملاحظه می‌نمایم که در گذشته کمتر چنین تغییراتی را ملاحظه می‌کردیم. البته باز هم کاستی‌ها و نقص‌هایی در سایر زمینه‌ها موجود است که امیدواریم

■ با تشکر از اینکه وقت‌تان را در احبار ما قرار دادید، لطفاً

بفرمایید چه عاملی باعث شد که شما حرفه معنسی ناشنوایان را برگزیدید؟

من از دوران کودکی علاقه وافری به شغل معلمی داشتم... با گذشت زمان احساس می‌کردم که می‌توانم بسیاری از یادگیری‌های خود را به خوبی انتقال دهم. در آن زمان یکی از علائق وافر من خدمت به معلولان و افراد با ناتوانی‌ها و محرومیت‌های شنوایی بود.... به طوری که احساس می‌کردم باید معلمان این افراد از تجربه و تخصص کافی برخوردار باشند تا بتوانند در زمینه بهبود آموزش و پرورش آنان گام‌های مؤثری بردارند.

از همان دوران بر این باور اعتقاد راسخ داشتم که می‌توانم به حال آنان مفید باشم و خداوند بزرگ نیز در این راه مرا حمایت کرد تا در این شغل مقدس مشغول خدمت گردم.

■ به نظر شما از زمانی که وارد حرفه معنسی شدید چه تغییرات عمده‌ای در آن به وجود آمده است؟

به نظر من تغییرات موجود نسبت به گذشته بسیار بارز و مشخص است. برای مثال یکی از تغییرات عمده، گسترش مشارکت‌های

با توکل به خدای یگانه و یاری مسوولین و دست اندرکاران سازمان استثنایی این نواقص برطرف شوند

■ اگر می توانستید نکته اساسی و مهمی را در شغل خود تغییر دهید. کدام یک را انتخاب می کردید؟

به نظر من یکی از مهم ترین موضوع های اساسی تغییر نگرش آموزگاران در زمینه کسب دانش تخصصی و آرایه خلاقیت ها و ابداع روش های نوین برای رفع مشکلات یادگیری و رفتاری دانش آموزان ناشنواست. یک معلم ناشنوا باید انگیزه لازم برای تحقیق و پژوهش را از دست ندهد. بلکه تلاش و علاقه وافر به پژوهش و تحقیق را توشه راه خود قرار داده. بتواند بر مشکلات و معضلات اجتماعی و فشارهای محیطی خویش غلبه نماید و در نتیجه دستاوردهای تحقیقاتی خود را به جامعه ناشنوایان تقدیم نماید...

■ یکی از دانش آموزانی را که در مورد او در کار خود به بیشترین موفقیت دست یافته‌اید را توصیف کرده و نحوه کار خود را با وی توصیح دهید؟

ج- در مورد یکی از دانش آموزان خود به نام "احمد" در گذشته خاطره بسیار زیبایی دارم. این دانش آموز دچار نقص تکلم و شنوایی بود و از اضطراب و نگرانی رنج می برد. وی بسیار زود برانگیخته می شد و از هر فرصتی برای جنجال و درگیری با همکلاسی هایش استفاده می کرد... در یکی از روزها من متوجه شدم که وی علاقه وافر به ساختن وسایل چوبی دارد تا اینکه یک روز او را تشویق کردم که با استفاده از قطعات چوب، یک قفسه برای نگهداری

کتاب ها بسازد... پس از ساختن این قفسه چوبی، اعتماد به نفس وی نسبت به مهارت ها استعدادهایش گسترش یافت، به طوری که باعث شد محبوبیت وی در گروه همکلاسی ها، افزوده شود و بسیاری از نگرانی ها و اضطراب های او کاهش یافت، من نیز با همراه کردن مفاهیم درسی با هنر و نقاشی و ساختن وسایل مورد علاقه اش توانستم او را از رخوت و کندگی بیرون آورم و در فرآیندهای درسی و تحصیلی به موفقیت برسانم.

■ با عنایت به تجربه شفلی خود چه توصیه هایی را برای خانواده ها و معلمان این عزیزان دارید؟

والدین و آموزگاران عزیز باید در رویارویی با دانش آموزان ناشنوا عزیمت صبر و بردباری را بیشه نمایند.

یکی از مهم ترین نکته های اساسی در این رابطه نیز توجه به محیط امن خانواده است. زیرا به نظر من خشونت ها و برخوردهای نادرست در محیط خانوادگی باعث برهم زدن آرامش و پایین آمدن دقت، توجه و تمرکز آنان می شود. پس، از والدین گرامی تقاضا می کنم در ایجاد یک محیط راحت از هیچ تلاشی فروگذار ننمایند. همچنین از آموزگاران تقاضا می کنم که بسیاری از نکته های اصلی دروس را به صورت محسوس و عینی به شاگردان تفهیم نمایند. به عبارت دیگر اگر کودکان ناشنوا با اشیا واقعی و محسوس و عینی کار کنند. یادگیری آنان نیز عمیق تر خواهد بود و در نتیجه کارایی بهتری را در یادگیری نشان خواهند داد... با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند خواستارم.

